

حمام تاریخی باغ شاه هین در کاشان

حسن نراقی

یگانه گر مابه داخلی یکی از کاخ‌های پادشاهان صفویه که تاکنون باقیمانده

است و سرگذشت خونین آن

گر مابه خونین تاباکت آبسنگ
کوئی که هنوز از غم او اشک نشان است
هر رخت دیوارش گویی که در نیست
کاذر حق درخیش نفسیرین بزبان است
اشک الشعراء بهار

یکی از فصول دلپذیر دانش باستان‌شناسی ایران که میتوان گفت تاکنون باقتضای شئون گوناگون و مترتلت مهم تاریخی آن مورد بحث و نظر قرار نگرفته همانا موضوع کلی حمام‌های قدیمی ایران است تا آنکه فهرست جامع و مستدلی از آنها در دسترس پژوهندگان بوده باشد. در حالیکه این مبحث آموزنده گذشته از نتایج سودمندی که از نظر علم‌الانوار دربردارد بدیهی است از نتایج تحقیقات و بررسی‌های همه‌جانبه در اطراف وجوایب متنوع آن امیدواری هست که روشنائی تابناکی نیز بر ویای کم‌نام و نشان تاریخ اجتماعی گذشته این دیار بیافکند. همچنانکه بر اثر تجزیه و تحلیل خصوصیات و متفرعات و تحولات کمی و کیفی و بالاخره سیر حوادث مختلفی که در پیرامون هر یک از رقیبات سالخورده آن روی داده است، باشد که بسیاری از عقاید و اندیشه‌ها، آداب و سنن فراموش شده نیز آشکار و هویدا گردد. از آنجمله آشنائی کامل با سبک معماری‌های مخصوص هر ناحیه و اسلوب‌های متناسب با آب و هوای مناطق مختلف کشور و تغییراتی که در اعصار متوالی در آنها پدیدار گشته است. بویژه شناخت مزایای خاص حمام‌ها که حتی در مآخذ و منابع تاریخی بیگانگان هم با اظهار شگفت و اعجاب منعکس شده است. مانند سفرنامه (کلاویخو سفیر کاستیل اسپانیا) که در سال ۸۰۶ از طریق ایران به سمرقند دربار امیر تیمور سفر کرده. او پس از دیدن حمام‌های تبریز با چنان تعجب و تحسینی آنها را یاد میکند که گوئی در آن عصر حمام عمومی در اروپا وجود نداشته و یا لاقلاً فاقد خصوصیات جالب توجه و مزایای حمام‌های بزرگ و پرتجمل



صحن رختکن حمام عمومی
کاشان

در این شهر چنانچه
از کی شهر نور و جمال
بمطول شهر کربان
بنار کاشته شد که باسوی
تمام کوچهای دیگر
فرمانده از آن استفاده
نکند بر یک طرف از این
نمانده استون است و
سنگ جلد از شاه
استانی در شهر آنها
باکلی این ناحیه
سنگ کاشان
در این شهر



ایران بوده است^۱.

و همچنین تعریف و توصیف شایانیکه جهانگردان عهد صفویه از حمام‌های کاشان نموده‌اند. از آنجمله توماس هربرت انگلیسی (معاصر شاه عباس اول) درحالیکه کاشان را يك شهر اشرافی بسیار آباد و آراسته معرفی کرده بخصوص حمام‌های آنجا را از مهم‌ترین بناهای عمومی شهر می‌شمارد و یا شاردن جهانگرد فرانسوی که گوید:

(بازارها و گرمابه‌های کاشان فوق‌العاده عالی و خوب و تمیز و خوش ساخت است)^۲.
و از طرفی نیز بطوریکه از کنجکاوی و بی‌جوئی در اوراق تاریخ پرحادثه قرون اسلامی ایران بدست می‌آید برخی از حمام‌های قدیمی‌منشاء سوانح بزرگ و شاهد مناظر انقلابی و پرهیجانی بوده که گاهی بر اثر آنها مسیر تاریخ یکباره تغییر یافته و دگرگونی‌های کلی در سرنوشت جامعه پدید آمده‌است.

همچون کشته شدن فضل‌بن سهل ایرانی وزیر با تدبیر مأمون خلیفه عباسی درحمام شهر سرخس و یا جان سپردن میرزا تقی‌خان امیر کبیر بدست دژخیمان ناصرالدین شاه قاجار درحمام باغ‌شاه فین و امثال و نظایر اینگونه فجایع ملی که باید از اوراق پراکنده تاریخ جمع‌آوری و مدون گردد.

و همچنین چه با افراد دلیر و نیرومندی از طبقات دیگر مردم که دشمنانشان از مواجهه آشکار با آنها بیمناک بوده‌اند تا هنگامی که آن قهرمانان لخت و برهنه و بدون اسلحه و دفاع درحمام برسر می‌برده‌اند مورد حملات وحشیانه قرار گرفته و آنها را ازبای بدرآورده‌اند.
نظیر داستان میرزا معزالدین محمد غفاری که اواخر سده یازدهم سالها از طرف نادرشاه

1- Thomas
17- Saint Peris
18- Thomas

۱ - ص ۵۹ کتاب ایران از نظر خاورشناسان .
۲ - ص ۸۳ ج ۳ سیاحتنامه شاردن جهانگرد فرانسوی .



سرینه حمام معروف خان در کاشان
اواسط قرن گذشته عکس از کتاب
ابنیه جدید ایران اوژن لالاندن
فرانسوی

و کریم خان زند یا نیک نامی عهده دار حکومت کاشان بود و چون درگیر و دارهای سپاهیان قاجار با خاندان زندیه، او شهر کاشان را از دست اندازیهایی متجاوزین محفوظ و برکنار نگاهداشته بود لشکریان قاجار بوسیله شبخون بیکی از دروازه ها بشهر رخنه کرده میرزا معزالدین را در حمام غافلگیر و شهر را تصرف میکنند.

و یا مانند محمد آقاییک داروغه کاشان در آغاز مشروطیت، جوانمرد دلیر و بی باکی که تا او زنده بود نایب حسین کاشی و اتباعش جرأت نزدیک شدن بشهر را نداشتند تا آنکه در سحرگاه شب دامادی محمد آقاییک هنگامی که او تنها در حمام دروازه پشت مشهد کاشان حنا بسته و بخواب رفته بود پسران نایب حسین از کمین گاههای پنهانی خود بحمام ریخته او را گلوله باران کردند. و از آن پس بود که دستگاه شرارت و مطلق العنانی آنها گسترش یافته و سالها ادامه پیدا کرد.

بدیهی است که اینگونه حوادث مهم محلی در بسیاری از حمام های سرتاسر ایران روی داده که باید بدقت بررسی و گرد آورده شود. و چون ناگفته پیداست که بحث و بررسی های لازم در این باره دامنه دارتر از آنست که یک یا چند مقاله حوصله گنجایش آنرا داشته باشد، از این رو در مقاله حاضر پس از اشاره اجمالی بگفتنی هایی چند از کلیات این موضوع فقط بیادآوری تاریخچه حمام باغشاء فین کاشان که یگانه گرمابه اختصاصی یکی از کاخهای باقی مانده از زمان صفویه میباشد اکتفا شده. بویژه آنکه این گرمابه گذشته از دارا بودن چنان موقعیت تاریخی بی نظیر در اواسط قرن گذشته نیز شاهد مهم ترین حادثه دوران سلطنت قاجاریه یعنی قتل میرزا تنی خان امیر کبیر صدر اعظم ناصرالدین شاه بوده است.

۳ - ص ۱ ورق ۴ تاریخ گلشن مراد ابوالحسن مستوفی غفاری نسخه خطی کتابخانه ملی ملک -
ص ۲۰۵ - ۲۰۴ کتاب تاریخ ورزش باستانی ایران تألیف پرتو بیضائی .

این داستان خونین که از خصوصیات آن حمام میباشد خود مبحث جداگانه است که در پایان مقاله از نظر خوانندگان گرامی میگذرد.

۱ - در قرنهای گذشته احداث و بنیان گذاردن حمام جنبه‌های سودجویی و بهره‌برداری مادی مانند عصر حاضر مطلقاً نداشته و بلکه این کار خیر از جمله مبانی بسیار مهم خیرات و میراث عمومی بشمار میرفته که افراد متمکن و خیرخواه با عتیده و ایمان باجر و ثواب آن و کسب شرف و افتخار و بقای نام نیک خویش در این باره اقدام می‌نمودند. و این عمل نیز که از مهم‌ترین نیازمندیهای جامعه بود مانند ساختن مسجد و آب‌انبار در افکار و انظار عموم بخوبی تلقی میگردید. و بجهت سلب هرگونه شایبه انتفاع شخصی ملکیت آنرا هم وقف عام می‌نمودند. و بر این اعتقاد بودند که چون استحمام و غسل و طهارت مقدمه ضروری هرگونه عبادت و فرائض دینی هر فرد مسلمان است بنابراین مؤسس چنین اساس و بنا نیز از کلیه اجر و ثوابیکه بر آن اعمال مترتب است بهره‌مند و شریک خواهد بود.

بر اثر اینگونه عتاید مذهبی و رسوم ملی که حمام را در درجه اول نیازمندیهای جامعه و از جمله بزرگترین مظاهرشون اجتماعی قرار داده بود ساختن و آراستن آنرا بزرگان قوم تمهید می‌نمودند، و از شخص اول مملکت یعنی پادشاه وقت که در این کار پیشقدم بوده تا وزیران و امیران و دولتمندان نیز هر یک بقدر همت خود اقدام می‌نمودند چنانکه آثار برخی از آنها تاکنون هم باقی و بر این حقیقت گواه است. از آنجمله:

در شهر اصفهان: حمام‌های شام‌عباس، شیخ بهائی، ساروتقی، شیخ علیخان زنگنه، شام‌علی و شاهزاده‌ها و حاج علی‌آقا.

در مشهد و قزوین: حمام‌های معروف و مشهور بنام شام‌عباس.

در کرمان: حمام گنجعلی‌خان.

در کاشان: حمام خواجه عماد جنب مسجد عمادی میدان فیض. (از بناهای اواخر سده نهم هجری).

و حمام ملاقطب (بنای سال ۹۶۶ ق).

و حمام عبدالرزاق‌خان در بازار (بنای سال ۱۱۸۷ ق) *سالی و مطالعات فرهنگی*

در شهر قم: حمام اتابک، و غیره و غیره.

۲ - حمام‌های قدیم اغلب دارای خزینه و بخش‌های متعدده از آب بسیار گرم و داغ تا ملایم و سرد و خنک بود همچنانکه در فاصله مابین هر سینه ریخته ریخت‌کن تا صحن داغ و بسیار گرم آن نیز چندین صحن و سفته‌های بزرگ و کوچک هم با درجات مختلف حرارت مهیا شده و آمادگی داشت تا اشخاص سالم و معلول و بیمار، هر یک بقدر خور حال خود بتوانند بر راحتی استفاده نمایند.

۳ - حمام‌ها چون محل ملاقاتهای قهری و برخوردیهای اتفاقی و یا میعادگاه طبقات هر ناحیه بود گاه و ناگاه با سحنه‌های زشت و زبیا وضع غیرعادی بخود میگرفت.

بسیاری از مراسم گوناگون و تشریفات خانوادگی نیز در آنجا برگزار میگردد. مانند حمام بردن عروس همراه مشاطه و همچنین داماد را با ساز و نواز.

یا حمام زایمان بانوان که با دعوت به سور و سرور توأم میگردد. یا دعوت بحمام جهت پایان‌دادن مراسم سوگواری و عزاداری با حنا بستن و اصلاح موهای سر و صورت بازماندگان شخص متوفی که بوسیله یکی از بزرگان محلی توأم با پذیرائی و مهمانی بعمل می‌آید.

یا حمام ختنه‌سوران پسرچها و بسیاری از موارد دیگر. . . . که هر یک با رسوم و آئین خاصی انجام میگرفت.

و نیز در مورد ازدواج و زناشویی‌ها آخرین مرحله‌ای که معاینه کامل سراپای دوشیزه یا بانوی مورد نظر از طرف کسان داماد در آنجا بعمل می‌آمد داخل حمام بود که باید بر سیبل اتفاق و ناگهانی وانمود گردد.

و گاه نیز چنان پیش می‌آمد که این محافل پر نشاط و شادمانی خانواده‌ها بر اثر مرگ یکی از متنفذین محلی خواهی نخواهی مبدل به مرده شوی‌خانه گشته متوفی را در حمام غسل میت داده کفن می‌پوشانیدند. از این رو متصدیان و کارکنان زن و مرد حمام‌ها در همه مراسم اجتماعی مشتریان خود و هر گونه سوگ و سرور خانواده آنها شرکت داشته و حتی در خانه‌های شخصی آنان دست اندر کار پذیرائی از واردین و غیره بودند.

۴ - در شهرهای بزرگ حمام‌های عمومی سحرگهان که باز میشد آمادگی گرمابه را با صدای رسا و نخر آشیده بوق‌های مخصوص بحمام گوشزد عموم میساخت و تا پاسی از روز گذشته حمام مردانه بود. و از آن پس تا شامگاه زنانه میشد. از این رو در مجاورت حمام‌های بزرگ گرمابه کوچک جداگانه‌ای نیز ساخته شده و آماده بود تا جهت نیازمندیهای فوری و ضروری زن یا مرد هنگامیکه بگرمابه بزرگ عمومی دسترس نداشتند مورد استفاده قرار گیرد. ولیکن حمام‌های راسته بازار شهرها یا مجاور دروازه‌های پررفت و آمد در تمام اوقات شبانه‌روز مردانه بود و گاه گاه نیز وسائل گوناگونی جهت سرگرمی واردین و مخصوصاً مسافرن در آنجا فراهم مینمودند. و برخی از آنها مانند سایر آثار و عادات ناپسندی که از دوران استیلای مغول‌ها باقی مانده بود بعدها بتدریج مرتفع گردید.

چنانکه در فرمانی از شاه ملهماسب اول صفوی مورخ سال ۹۴۱ ق مبنی بر الغاء پاره‌ای از آنگونه مفاسد که در سنگنبشته جلوه‌خان مسجد میدان عمادی کاشان نصب شده چنین خوانده میشود: (حکم مطاع واجب الاتباع صادر گشته که از کلیه ممالک محروسه شرابخانه و بنگخانه و معجونخانه و بوزه‌خانه و قوالخانه و بیت‌اللفظ و قمارخانه و کبوتربازی و مستوفیان گرامی ماهانه و مقرری آنها از دفاتر اخراج دارند و ابواب جمع دفاتر نازند و امور مذکور را از جمیع ممالک خصوصاً دارالایمان کاشان بر طرف ساخته نگذارند من بعد کسی مرتکب این مناهی شود و سایر نامشروعات را)

۵ - حمام و متعلقات و آداب و رسوم مخصوص بان موضوع ضرب‌المثل‌های عامیانه متعددی است که بر حسب اقتضای مقام و موارد خاصی استعمال میشود، از آن جمله است:

مثل حمام زنانه: کنایه از محفل پر جنب‌وجالی که همه حضار آن بلند بلند و بدون توجه باظهارات یکدیگر سروصدا راه بیندازند.

رستم در حمام: چون اغلب مرد در حمام‌های قدیم با نقش و نگار رستم و نمایش ریش بلند و دوشقه او تزیین یافته بود بدان مناسبت هر آدم هیولا و قوی‌هیکل ولی مهمل و بی‌هنری را به رستم در حمام تشبیه می‌نمودند یعنی قطع نقش و نگار صورت است و پس چنانکه شاعر گفته است: اگر تو آدمی اعتقاد من آنت که دیگران همه نقشند بر در حمام

با آب خزینه دوست گرفتن: از جمله رسوم تعارف و آداب مخصوص بداخل حمام آن بود کسانی که در خزینه گرمابه بیکدیگر برخورد می‌نمودند بجای سلام و احوال‌پرسی کف دوست خود را با آب خزینه پر کرده با اشاره بطرف مقابل خالی میکردند و این عمل نشانه احترام گذاردن بیکدیگر بود.

همچنین زنها نیز هنگام ورود بسحن حمام جهت ادای احترام نسبت به بانوی بزرگتر که در حمام بود طاس یا جام خود را با آب خزینه پر کرده به سر و دوش بانوی مورد نظر خود می‌ریختند.

۶ - تا اواسط قرن حاضر بواسطه اشکالات فراوانیکه در کار ساختمان حمام وجود داشت خانه‌ها و منازل شخصی واجد حمام‌های خصوصی نبود و سکنه هر کوی و برزن ناگزیر از گرمابه‌های عمومی استفاده می‌نمودند. مگر کاخهای پادشاهان و منازل شخصیت‌های مهم که داشتن حمام خصوصی سرخانه از لوازم زندگانی وسیع و بلکه از تجملات دستگامهای اشرافیت بشمار میرفت. بویژه در قصرهای سلطنتی اینگونه حمام‌ها علاوه بر رفع نیازمندیهای لازمه طهارت و پاکیزگی همچون آرایشگاه مخصوص و مجهزی مورد استفاده بانوی حرمسرا قرار میگرفت. چنانکه دکتر فووریه فرانسوی پزشک مخصوص ناصرالدین‌شاه و حرمسرای او در کتاب خاطرات خود بنام (سه سال در دربار ایران) ذیل احوالات یکی از همسران سوگلی شاه مینویسد:

«روزی دیگر امینه اقدس مرا بتماشای حمام خود فرستاد. این حمام دو قسمت دارد و تمام دیوارهای آن از مرمر است. قسمت اول محل رخت‌کن و آرایش و قسمت دوم برای استحمام است. حوضی در میان سرینه است که فواره‌ای از آن می‌جهد و با آب خود که بصورت گرد با اطراف پراکنده میشود فضا را خنک میکند و ملاحظه‌هایی در آنجاست که در آنها هر قسم اسباب آرایش گذاشته و در دو ملاقتمای قرینه عده‌ای قالی نهاده و از آنها بستر راحتی درست کرده‌اند.

و در این قسمت خانم لباسهای خود را پیش از آنکه بگرمابه داخل شود میکند. گرمخانه دو خزینه دارد پراز آب که درجه حرارت آنها با یکدیگر متفاوت است و ترتیب استحمام باین شکل است که استحمام کنند ابتدا ده دقیقه در خزینه آب سرد و ده دقیقه در خزینه آب گرم و ده دقیقه هم بیرون از هر دو داخل حمام که بخار گرم شده میماند. سپس برای او حوله پشمی می‌آورند و او بر سینه می‌آید و تا مدتی در آنجا دراز میکشد و گاهی قریب بیک ساعت در آنجا میماند تا خوب بحال بیاید.

بعد از استراحت نوبت آرایش میرسد و این کار بسیار دقیق و طولانی است با حنا ناخن‌های دست و پا را رنگ و با سرمه مژگان را سیاه و بزرگتر میکنند و آنها را مصنوعاً تا بالای بینی میکنند، گیسوان را مثل حمیر رشته رشته می‌بافند. مدت دوام این آرایش نصف روز تمام است.

طهران حمام‌هایی متعدد بهمین وضع دارد لیکن مردم غیرمسلمان نمی‌توانند با آنها قدم بگذارند»^۵.

بنابر آنچه گفته شد شك و شبهه‌ای نیست که کلیه کاخهای تاریخی قدیم ایران مانند چهل ستون و هشت بهشت اسفهان و نظایر آنها هر يك حمام داخلی مخصوصی هم داشته است که بر اثر مرور زمان از بین رفته بطوریکه امروزه اثری دیگر از آنها دیده نمی‌شود. از این رو درباره حمام تاریخی باغشاه فین که با سبك و اسلوب بنای اولیه خود از عهد صفوی تا بحال باقی و برجا مانده میتوان گفت در حال حاضر این بنا در نوع خود یکتا و بی‌همتا واقع شده است. و همین نکته مهم کافی است که توجهات شایان مقامات باستان‌شناسی و جهانگردی و دیگر علاقمندان با آثار گرانقدر گذشته را بیش از پیش جهت حفاظت و سرپرستی کامل آن جلب نماید و با اینحال نباید فراموش کرد که پیش‌آمد مهم قرن گذشته این حمام یعنی ریختن خون پاك امیر کبیر در آنجا سوابق تاریخی آن را بکلی تحت‌الشعاع خود قرار داده است. زیرا که باتفاق آراء دوست و دشمن امیر کبیر یگانه مرد شایسته زمامداری و پیرازنده‌ترین رهبر و سیاستمداری بود که بدوره سلطنت یکصد و پنجاه ساله قاجاریه در صحنه سیاست ایران ظهور کرده و بر اثر فتدان او نیز کشوری که میرفت عملاً پیشرو و اقمی ملل عقب‌افتاده مشرق‌زمین گردد یکباره آشفته و ناتوان شد. و جامعه

۵ - ص ۱۳۷ کتاب (سه سال در دربار ایران) ترجمه عباس اقبال. توضیح آنکه: امین اقدس یکی از زنهای مورد نهایت توجه و اعتماد و خزانه‌دار جواهرات ناصرالدین شاه بوده است.



راست : بنای اولیه شرکلو فتحعلی‌شاهی در باغشاه فین اواسط قرن گذشته چپ : وضع کنونی شرکلوئی فتحعلی‌شاه در باغشاه فین

نوخاسته‌ای که با گامهای سریع جهت برخورداری از مدارج ترقی و تکامل در تکاپو بود ناگهان آنچنان ازبای بدرآمد و سقوط کرد که بیش از یک قرن دیگر در گرداب درماندگی و بی‌روسامانی غوطه‌ور گردید .

این بیان گرچه حقیقتی است بس روشن که اثبات آن نیازی بدلیل و برهان ندارد ولی محض کوتاه کردن سخن در این باره کافی است اهمیت و ارزش یکی از آثار مشهور او که تأسیس دارالفنون میباشد بدینگونه سنجیده و نمودار گردد که :

کشور زاین که امروزه از جهت تمدن و علم و صنعت مترقی خود چشم و چراغ ممالک آسیائی و همسراز و بلکه رقیب نیرومند بزرگترین کشورهای پیشرفته جهان است بیست سال بعد از تأسیس دارالفنون در ایران موفق به ایجاد این پایگاه دانش جهانی گشته که امروزه مبدأ و سرچشمه همه ترقیات شکفت‌انگیز آن ملک و ملت بشمار میرود .

اقامتگاه چهل روزه امیر کبیر در باغشاه

واینک نظر بآنکه امیر کبیر مدت چهل روز باتفاق همسر و مادر و سایر نزدیکانش با تحمل نهایت رنج و شکنجه‌های روحی در آن تبعیدگاه برمی‌بردند مقتضی است نظری هم بمنحلسکونت این کاروان و ازگون‌بخت و سوابق تاریخی بنای آن افکنده شود .

در سال ۱۲۴۲ ق . فتحعلی‌شاه دختر محبوب خود بنام خورشیدکلاه خانم ملقبه به شمس‌الدوله (ازبطن ملاوس خانم تاج‌الدوله اصفهانی) را نامزد علی محمدخان نواده صدراعظم اصفهانی نمود و علی‌رغم مخالفت وی میلی تاج‌الدوله حرم سوگلی خود با مقدماتی رندانه

ونیرنگهای قجری وسائل ازدواج و رضایت تاج الدوله را فراهم ساخت.^۶ سپس نیز علی محمدخان ملقب به نظام الدوله و بحکومت کاشان سرفراز گردید. حسب الامر باغشاه فین را جهت سکونت آنها منظور و آماده نمودند. ولی از آنجائیکه تا آن ایام در این باغ عمارت مخصوص و محفوظی برای سکونت حرمرها وجود نداشت نظام الدوله با اجازه شاه در محوطه خارج از حد و حصار شمالی باغ عمارت جدیدی احداث کرد مشتمل بر حیاطی وسیع و باغچه که چهار جانب آن دارای اطاق و تالارهای متعدد بزرگ و کوچک بود.

این ساختمان بنام خلوت نظام الدوله معروف گردید و پس از عزیمت او از کاشان به عتبات هریک از شاهزادگان بلا فصل و درجه اول قاجاریه که بحکومت کاشان منصوب میشدند و اجازه اقامت در باغشاه بآنها داده میشد، خلوت نظام الدوله را محل حرمرای خود قرار داده و ساختمانهای دیگر محوطه باغشاه اختصاص بدیوانخانه و آمدورفت‌های تشریفاتی آنها داشت مانند:

شاهزاده طه‌اسب میرزا مؤید الدوله در سال ۱۲۵۱ ق.

شاهزاده بهمن میرزا بهاء الدوله در سال ۱۲۵۲ ق.

شاهزاده فتح‌الله میرزا شعاع السلطنه (جد مادری مظفرالدین‌شاه) در سال ۱۲۵۵ ق.

شاهزاده شاهرخ میرزا در سال ۱۲۶۴ ق.

پس از سال ۱۲۶۸ ق که امیر کبیر مدت چهل روز بعنوان تبعید در اطاقهای خلوت نظام الدوله زندانی گردید این عمارت شهرت و اعتبار خود را بکلی از دست داد و یکبارہ متروک و منفور خاص و عام گردید و بدینجهت روز بروز روبویرانی نهاد بطوریکه اشیاء دندانگیر و قابل حمل آن هم تاراج شد.

تاریخچه حمام باغشاه

در محوطه خارج از حصار ست جنوب شرقی باغ دودستگاه حمام بزرگ و کوچک موجود است که هریک از آنها با در جداگانه‌ای بفضای داخلی باغ مربوط میگردد.

حمام بزرگ معروف آن که در این مقاله مورد بحث و نظر میباشد همزمان با احداث بنای اولیه و اصلی باغشاه در عهد شاه‌عباس اول ساخته شده و بگفته گوینده عالیقدر ملك الشعراء بهار در قصیده مخصوص باغشاه و سرچشمه فین:

از خلد نشانی بود این باغ که طرحش فرموده عباس شه خلد مقام است^۷

در این اواخر هم مدرک معتبری بنسبت آمده که قدمت این حمام و ارتباط تاریخی آنرا تا عهد صفویه تأیید میکند و آن عبارت است از بیداشدن چند قطعه مسکوکات عهد صفوی که هنگام تخلیه مجاری و پاک کردن آبروهای زیر صحن گرمابه از میان گل ولای بنسبت آمده است.^۸ ولیکن حمام کوچک جنب آن که دارای بنا و ساختمانی ساده تر و تا حدی روستائی میباشد از اثنیه دوره قاجاریه است چنانکه سهیل ضرابی ضمن شرح دادن بناهای احداثی فتحعلی‌شاه بدینگونه تصریح نموده است:

(کذ لك حمام كوچك و كریاس و بالاخانه سردر آن باغ که از عمارات رفیعه منیعه است)^۹.

۶ - ص ۳۳ - ۳۴ تاریخ عضدی.

۷ - ص ۶۷ ج ۴ سفرنامه فرانسه کرتلیوس برون هلندی و ص ۶۶۴ ج ۱ دیوان ملك الشعراء بهار.

۸ - از جمله ۹ عدد مسکوک کهنه که از آبروهای کف حمام باغشاه بنسبت آمد:

یک عدد سکه نقره عهد شاه‌عباس و یک مسکوک طلای خارجی بوزن ۳٫۴۵ گرم بتاریخ ۱۶۴۴ میلادی بود (برابر با سال ۱۰۵۲ هجری قمری یا آغاز سلطنت شاه‌عباس دوم که پس از درگذشت شاه‌سفی در کاخ دولتخانه کاشان او بر اریکه سلطنت جلوس نمود و جشن‌های تاجگذاری وی در باغشاه فین و دولتخانه برگذار شد).

۹ - ص ۷۵ کتاب مرآت قاسان که بنام تاریخ کاشان تجدید چاپ شده است.



راست : قسمت جنوبی بنای قدیم نظام الدوله که اکنون بجای آن موزه جدید ساخته شده است
چپ : سردر موزه آثار تاریخی کاشان در باغ شاه لیل

طرح و نقشه ساختمانی حمام بزرگ

کف این حمام بجهت آبرسانی به آبگیرها و خزینه گرم آن قریب یک متر از سطح خیابانهای باغشاه کودتر واقع گشته . از درگاه ورودی بوسیله چهار عدد پلکان به اولین صفه رخت کن میرسد . در این صفه سکوی بارتفاح نیم متر دیده میشود که وسط آن یک بخاری دیواری یا کج و آجر ساخته شده . از آنجا با راهرو و دالان کوتاهی بصحن بزرگ و گرم حمام وارد میشود . در طرف دیگر این راهرو صفه ایست قرینه صفه رخت کن اولیه که پس از استحمام و هنگام خروج از صحن گرمابه ابتدا باید باین صفه آمد که وسط آن حوض کوچکی برای شستن پاها ساخته شده تا در هوای ملایم آنجا بدن را خشک و آماده رفتن بصفه رخت کن اولیه برای لباس پوشیدن نمود .

صحن اصلی گرمابه : طول و عرض ۱۴ در هفت متر . سقف گنبدی شکل آجری آن روی چهارستون مرمر هشت گوشه زیبا و خوش تراش بنا نهاده شده . خزینه آب گرم برجبهه مقابل درگاه ورودی بصحن است و بر هر دو طرف آن دوصفه کوچک برای خلوت حمام ساخته اند . و در طرف دیگر صحن بزرگ گرمابه حوض مربع مستطیلی بطول و عرض ده درشش متر برای آب سرد و هم کف زمین ساخته شده . و همچنین دو حوض کوچک دیگر برای آب سرد و ملایم در میان ستونها میباشد . ولیکن بجای حوض کوچک وسط صحن از قدیم ایام سکوی برجسته ای بنام شاه نشین بوده است که روی آن تخته سنگ مرمر شفافی بطول بیش از دو متر افتاده بود و این سکو یا شاه نشین برای استراحت و نشیمن شخص شاه یا کسیکه از طرف او مأمور و مجاز بود ، اختصاص داشته همچنانکه امیر کبیر نیز روز ۱۸ ع ۱۲۶۸ در حالیکه خضاب نموده و حنا بسته

آنجا آرمیده بود ناگهان فرمان قتل او را بدستش میدهند و بیوضعی که بدان اشاره خواهد شد در همان محل و مکان جان خویش را بجان آفرین تسلیم نمود .
این سکو و سنگ مرمر گرانبهای آن تا سالهای ۳۵ - ۱۳۳۴ ه . ق . بجای خود باقی و محفوظ مانده بود ولی در آن اوان مانند کلیه سنگ‌های مرمر حمام و حوض و جدولها و دیگر مصالح و متعلقات گرانبهای باغشاه مورد نهب و غارت اشرار یغماگر کاشان قرار گرفته و از بین رفتند.

داستان کشته شدن امیر کبیر در حمام باغ‌شاه

شادروان ادیب بیضائی کاشانی در ضمن قصیده مفصلی که مبنی بر اظهار تأسف از خرابی باغ‌شاه دارد از جمله چنین گوید :

گرماپه همی بینم با غایت دسرودی	بر ملک عجم گشته است از مرگ تقی گریان
با آب مزه شاید ای دیده فرو شوئی	خونی که در اینجا یافت از شتر کین جریان
آن سر که توانستی سالاری ملک جم	چون غنچه بشکفته پژمرده در این بستان
بردست امیر اینجا حنانه که خونت این	وین استان از آن دارد حنانه صفت افغان
این دود که می‌بینی در گلخن ویرانه	آه دل هر سنگ است بالا شده تا کیوان ^{۱۰}

هر چند درباره چگونگی و شرح این داستان خونین که از ضایعات بزرگ ملی ایران در عهد قاجاریه شمرده میشود گفتارها و مقالات بسیاری که متضمن عقاید و آراء گوناگونی هم بوده منتشر گشته تا جائیکه در اطراف آن از قضاوت‌های ضد و نقیص نیز فروگذار نشده است . ولی باتوجه باینکه روزهای واپسین زندگانی پرهیجان آن رانمرد تاریخی تا لحظه مرگ تشنج آمیزش در باغ‌شاه فین سپری گشته ، بویژه آنکه خون پاکش نیز با آب و گل حمام این کاخ آمیخته شده بدین سبب مقتضی است شمه‌ای از جریان واقعی آن پیش‌آمد ناهنجار باستان معتبرترین منابع تاریخی که در دست می‌باشد در ذیل تاریخچه حمام باغ‌شاه فین بازگو گردد .

بدین منظور پس از فحص و بررسی‌های لازم چون تحقیقاتی را که کنت گوبینو^{۱۱} سفیر فرانسه در دربار ایران در این خصوص بعمل آورده بیش از ماخذ دیگر مقرون بحقیقت یافته و خالی از هر گونه شایبه‌ای بنظر رسید به ترجمه و اقتباس آن از کتاب (سه سال در آسیا) که تا کنون بفارسی برگردانده و منتشر شده اقدام نمود . زیرا که گذشته از نزدیکی و مناسبات سیاسی که او با مقامات درجه اول ایران و نمایندگان خارجی داشته شخصاً نیز محذقی کنجکاو و علاقمند بکشف و درک کلیه قضایا و پیش‌آمدهای اجتماعی ایران بوده و در سیاست و جریان امور داخلی ایران هم بیطرف بوده هیچگونه حب و بغضی نداشته ، بویژه آنکه اندک زمانی پس از آن حادثه شخصاً خود بی‌باغ‌شاه فین از باغبان و متصدیان و کسانی که حاضر و ناظر بوده‌اند تحقیقات دقیق و معاینه محلی نموده است . همچنانکه در ضمن بیان اخلاق و صفات و سجایای روحی امیر نیز

۱۰ - ص ۱۹۹ دیوان ادیب بیضائی کاشانی .

۱۱ - کنت گوبینو از سال ۱۲۷۱ تا ۷۴ هجری نایب اول سفارت فرانسه در ایران بوده و از سال ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۰ نیز ست وزیر مختاری فرانسه را در ایران عهده‌دار بوده است .
گوبینو علاوه بر کتاب (سه سال در آسیا) *Trais ans en Asie* آثار سودمند دیگری هم درباره اوضاع سیاسی ، مذهبی و اجتماعی ایران دارد که برخی از آنها بفارسی نیز ترجمه شده‌است . گوبینو در عقاید فلسفی نیز دارای مکتب خاصی بنام (گوبینیسم) میباشد .

احیاناً از نشان دادن نقاط ضعف و اشتباهات سیاسی او خودداری نکرده بخصوص از غرور زیاده از حد و اتکاء به صحت عمل و پاکبازی او و اینکه همگی از خشونت طبع انعطاف ناپذیرش در بیم و هراس بر می بردند ، یاد کرده است .

ناگفته نماند که کتاب (سه سال در آسیا) ی کنت گوینو با آنکه محتوی تحقیقات پرارج و سودمندی در جهت شناخت بسیاری از حوادث و مبانی تحولات فکری و اوضاع اجتماعی ایران در نیمه دوم قرن گذشته میباشد چنانکه اشاره شد تاکنون بفارسی منتشر نگشته مگر آنکه برخی از نویسندگان تاریخ زندگانی امیر کبیر و بخصوص محقق فقید عباس اقبال در مقالات تحقیقی که بمناسبت یکصدمین سال قتل امیر کبیر در ش ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ سال اول مجله اطلاعات ماهانه نگاشته بمکاتبات و تحقیقات گوینو در این باره اشاره و استناد نموده است . و پوشیده نماند که کتاب (سه سال در آسیا) ی مورد استفاده غیر از کتاب دیگر همین نویسنده بنام (سه سال در ایران) او میباشد که سابقاً بفارسی ترجمه و انتشار یافته است .

کنت گوینو پس از بیان مقدماتی که برای تشریفات ورود او بکاشان فراهم کرده بودند و اطلاعات مختصری از وضع اقتصادی و هنری و صنایع محلی آن شهر ، به شرح و وصف صفا و مناظر دلپذیر باغشاه و چشمه آب فین محل ورود و اقامت خود پرداخته و بمناسبت قتل امیر کبیر در آنجا بسوابق زندگانی میرزا تقی خان و اصلاحات مهم و شگفت انگیز او در ایام صدارتش و مناسبات صمیمانه و یکرنگی که با ناصرالدین شاه داشته اشاره نموده . در ضمن نیز از رشک و حسد ، بیم و هراس و فتنه انگیزیهای مخالفین وی که شاه را باجرای نقشه های خصمانه اغوا و تحریک می نمودند تا آنکه منتهی بعزل و تبعید و مسافرت امیر بکاشان میگردد گفتگویی نموده .

ترجمه و مفاد تحقیقات گوینو در قسمت اخیر که مربوط بیباغشاه فین و حجام تاریخی آن و مورد استفاده ما میباشد ، عنماً از این قرار است :

«امیر کبیر با نهایت افسردگی و روحیه درهم شکسته خود راه فین را در پیش گرفت . هوس او که خواهر شاه باشد در این موقع بیش از همه اراده خردمندانه خود را نشان داد . با آنکه او در آن موقع شازده سال بیشتر نداشت با طرافایش گوشزد ساخت که حاضر نیست بهیچوجه دست از همراهی شوهرش بردارد و بهر کجا که امیر می رود او هم باید سایه بسایه همراه او باشد زیرا که فقط حضور او باعث حفظ جان شوهرش میگردد . و چون او برادر خود را خوب میشناسد اطمینان دارد تا وقتی که در کنار امیر باشد گردندی بوی نخواهد رسید .

بنابراین آن زن وفادار با دو کودک خردسال خود باتفاق امیر رهسپار کاشان شده در عمارت اندرونی کاخ باغشاه فین که برای سکونت آنها معین شده بود اقامت گزیدند .

امیر کبیر در حالیکه تبعید شده و مورد بی مهری کامل شاه قرار گرفته بود گوئی در حقیقت نمی توانست بعیق و خامت ستووط خود پی ببرد و با آنکه در واقع میتوانست از تردید و تسامح ناصرالدین شاه در جریان خلع و عزل خود بخوبی استفاده نماید و از چاه بلائی که برای او کنده بودند خود را خلاص کند ، متأسفانه عقل دوراندیش و خون سردی خود را از دست داده بود . اوقات خویش را با تأسف خوردن برگزیده و طرح نقشه های غیر عملی بیهوده تلف میکرد . در حالیکه دشمنان او با نهایت جسارت و فعالیت و وقت شناسی نمی گذاشتند آتش نفرت شاه فرو نشسته تا بتواند با آزادی فکر کند و باو وانمود میکردند که همه مردم واقماً از این کار خوشحالند . و ملت شبیه شاگرد بازیگوشی است که از جنگ معلم سخت گیری خلاص شده باشد و اگر شاه از تصمیم خود منصرف گردد آبرویش نزد ملت بر باد خواهد رفت و

خلاصه آنکه اعدام امیر را جداً از شاه میخواستند . شاه که در آن هنگام ۱۹ سال داشت با آنکه از مقاومت و سرسختی های امیر که او را خفیف می ساخت بشدت عصبانی و نگران گشته و از مبارزه با تشیاتی که در اطراف او بعمل می آمد خسته شده بود با وجود این برای صدور حکم قتل امیر بحال تردید و دودلی بر می برد چنانکه دوبار چنین دستوری را صادر کرده ولی دوباره الفا نموده و پس گرفته بود .

بیه اطلاع از این کتاب
در کتابخانه ملی
تاریخ زندگانی امیر کبیر
در مجله اطلاعات
ماهانه
نگاشته بمکاتبات
و تحقیقات گوینو
در این باره اشاره
و استناد نموده است .



صحن حمام بزرگ باغشاه فین
گودالی که میان چهارستون مرمر
نمودار میباشد محل گرمخانه
زیر سکوی شاه فین بوده که
امیر کبیر در آنجا به قتل
رسیده است

در آن ایام در دربار و ملازمت او مردی بود که در عهد محمدشاه مشاغل مهمی داشته ولی
بعدها مورد خشم و بی‌مهری دربار قرار گرفته اموالش را مصادره نموده بودند که خانه‌نشین
و با وضع فلاکت‌باری بسر می‌برد.

در آغاز سلطنت ناصرالدین این مرد مفلوك فراموش شده را امیر کبیر مورد توجه خویش
قرار داده و یکی از مقامات مهم درباری (فراش‌باشی گری) را بوی سپرد.

همین شخص بعد از تبعید امیر نزد شاه رفته پس از گفتگوی مفصل و پرس و صدائی حکم
قتل امیر را بامضا رسانید و بی‌درنگ دو نفر میر غضب همراه برداشته لباس خود را به عمامه و قبا
تغییر داده عازم حرکت شد. ولی هنوز پا در رکاب بود که پیک دربار حامل پیام احضار وی
از طرف شاه سر رسید.

اما او چون تردید و تزلزل تسمیم شاه را حس کرده و میدانست که احضارش برای پس
گرفتن حکم قتل امیر میباشد از اطاعت فرمان احضار خودداری نموده با دو نفر میر غضب ملازم
خود رهسپار بسوی کاشان شدند.^{۱۲}

از سوی دیگر امیر و همراهانش در این روزها چون اندک امیدواری و قوت قلبی یافته
بودند روحیه بهتری داشتند. زیرا که حاکم کاشان در روزهای اول تبعید و ورود آنان بفرین
از هر گونه بدرفتاری نسبت بآنها فروگذار نمیکرد حتی آنکه عده‌ای سرباز در اطراف اندرونی
و ایوانهای عمارت حرمسرا گماشته بود به نحویکه امیر مجبور شد مبلغی بپردازد تا تخفیفی در این
سخت‌گیریها داده شود. ولیکن پس از چند روز که از مرکز دستور تازه‌ای نرسید حاکم کاشان
از بیم آنکه مبدا امیر مورد عفو قرار گرفته دوباره بقدرت برسد، برخلاف روزهای اول

۱۲- محقق فقید عباس اقبال در حاشیه ص ۱۵ ش ۱۱ ص اول اطلاعات ماهانه مینویسد: (مرحوم
غلامحسین خان صاحب اختیار غفاری از قول ناصرالدین شاه می‌گویند: شاه مکرر میگفت که من بقتل امیر کبیر
راضی نبودم میرزا آقاخان و سایرین کردند و حاجی علی‌خان مأمور ایشان بود من فرستادم که حاجی علی‌خان
صبح بیاید و مرا به بیند گفتند که او رفته است).

دوراندیشی نموده با اظهار ملایمت و خدمتگزاری با ادب و احترام بامیر نزدیک شد. زندانیان از مشاهده وضع خوش رفتاری حاکم تصور نمودند تغییراتی در اوضاع پیدا شده و دستورهای مساعدی بحال آنها رسیده است و هر لحظه انتظار رسیدن خبرهای بهتری را داشتند . . .

در این اوقات فرستاده تهران وارد کاشان شد. امیر کبیر نظر بسوابق کمک و همراهی و حقوقی که بگردن او داشت امیدواری کامل به پیش آمد و بهبود اوضاع آشفته خویش پیدا کرد و او نیز هر چه میتواند با وعدو وعید زندانیان را دلخوش و اغفال نمود و گفت امیر مورد عنو شاهانه قرار گرفته است ولی عجالتاً مقام و منصب سابق را نخواهد داشت و باید خود را آماده برای حکومت اردبیل بنماید تا در نتیجه اطاعت از او امر شاه و مرور زمان بتدریج گذشتهها فراموش شود تا آنکه زمینه تجدید مقام صدارت عظمی دوباره برای او فراهم گردد .

در چنان محیط امیدبخش و خوش بینی که بیم و هراس با غم و اندوه گذشته فراموش میشد امیر ب فکر اصلاح سرو وضع خود افتاد و چون پانزده روز بود جرات آنکه لحظه ای از کنار همسر با وفایش که تنها حافظ جان او بود دور شود نکرده و حتی از رفتن بحمام هم که محرومیت از آن برای يك نفر ایرانی متدین بسیار دشوار و ناگوار است خودداری کرده بود اکنون که موانع را مرتفع شده می پنداشت مصمم شد بگرما به برود. بیک زبان آور تهران هم او را تشویق می نمود. اما شاهزاده خانم همسرش که میدید حمام دور از نظر و دسترس او واقع شده با بیرون رفتن امیر از حرماً جداً مخالفت میکرد ولی گریه و زاری و التماسهای او هم در روح فریب خورده و خوشبین امیر شك و تردیدی ایجاد نکرد و بشاهزاده خانم قول داد که بیش از دو ساعت از او دور نخواهد ماند. آنگاه روانه حمام شد و درین راه با همراهانش بیادمانی میگفت و میخندید و بپاش بود .

پس از ورود برخت کن حمام و کندن لباس که مشغول استحمام شد ناگهان بیک مأمور تهران وارد صحن گرما به شده پس از تعظیم و اظهار ادب و احترام فرمان قتل وی را از ائمه و ابلاغ نمود و اضافه کرد که فقط در طرز و نحوه اجرای این فرمان من می توانم خودم را در اختیار شما بگذارم که هر نوع دستور دهید انجام بدهم. امیر که از این پیش آمد غیر منتظره یکبارہ بر آشفته و پریشان حال گردید بشدت پر خاش نموده روابط و سوابق محبت آمیز خود را دوباره او یاد آور شد و گفت که با آن همه همراهی و کمک های بی دریغ من که ترا از خانه نشینی بمقام و منصب رسانیدم چرا و چگونه باید مأموریت کشتن من را تو عهده دار شوی .

اما آن قاصد مرگ و فرمانده دژ خیمان پس از آنکه سخنان ختم آلود امیر را با نهایت خونسردی گوش داد در جواب او گفت اکنون جز آنچه گفتم از من کاری ساخته نیست و این شما هستید که فوراً و بدون درنگ باید طبقه اعدام خود را معین کنید و بس .

امیر همین که دژ خیمان را آماده اجرای فرمان و خود را در چنگال آنان عاجز و درمانده دید ناچار بوسیله پاره کردن و گشودن شرابین هر دو دست خود تن بمرگ داد و سپس دژ خیمان بر بیکر نیمه جانش افتاده کار او را تمام کردند .

از طرف دیگر در اندرون خانواده امیر همسر با هوش و مهربان او که با دلهره و نگرانی تمام بسر می برد وقتی دید مدت معهود گذشت و از امیر خبری نشد در حالیکه با وحشت و اضطراب می آمد و میرفت و فرار نمی گرفت خدمه و ندیمه های خود را یکی پس از دیگری جهت کسب خبر بیرون می فرستاد ولی هیچ يك مراجعت نمی کردند چون سه ساعت بدین منوال گذشت یقین کرد بلایی نازل شده ناگزیر خود او شخصاً سراسیمه براه افتاد وقتی خواست از اندرون خارج شود چون دید که سربازان اطراف خانه را محاصره و راه را بر او بسته اند دلیرانه شافته سربازان را عقب راند و گفت دستی که بر روی خواهر شاه بلند شود و راه او را مسدود نماید بسزای خود خواهد رسید و سرعت خود را بدر حمام رسانید و با ضربات سخت مشت و لگدهای ختم آلود خویش در حمام را که از پشت بسته و سنگین شده بود درهم شکست تا راه باز شد. افسران و پاسداران که دیدند کار از کار گذشته و بهیچوجه نمی توانند جلو آن شیرزن را بگیرند ناچار

حقیقت واقعه و پیش آمد را باو گفتند .

کت گویینو در پایان این تحقیق تاریخی خود اضافه میکند که :
از مشاهده آن در شکسته که از چوب بید ساخته شده بود قلب هر بیننده ای فرو میریزد
و گویی هنوز داستان این قتل و جنایت تاریخی بی پایان نرسیده و اطاق های خالی آن کاخ قیافه شوم
و حزن آوری بخود گرفته است . چه بهتر که انسان هر چه زودتر آنجا را ترك نموده و دور شود^{۱۳} .
پایان داستان

پس از فرو نشستن شور و غوغائی که از این پیش آمد در حرمسرای امیر وحتى میاں زن
و مرد اهالی فین و کاشان برخاسته بود ، عزة الدوله دستور داد که جنازه امیر را در بقعه امامزاده
حبیب بن موسی و در جوار آرامگاه شاه عباس کبیر بطور موقت امانت بگذارند و خود با دو فرزند
و همراهانش عازم مرگ شد .
آنکام مردم کاشان بمراسم سوگواری پرداخته و جنازه وی را با احترام فراوان تشییع
نمودند و بگفته سپهر در کتاب ناسخ التواریخ :
(بزرگان و اعیان کاشان در آنجا حاضر شده جسد او را با تین بزرگان برداشته در پشت
مشهد و مزار حبیب بن موسی مدفون ساختند)^{۱۴} .
پس از چندی نیز جسد او را بکربلا حمل نمودند و در آرامگاه اختصاصی جنب مرقد
مظهر سیدالشهدا بخاک سپرده شد .

سکوی مرمر شاه نشین وسط حمام که این فاجعه خونین روی تخته سنگ مرمر شفاف آن
رخ داده بود تا سالیان دراز برجای خود باقی و برقرار بود چنانکه بیست سال بعد از آن واقعه
هنگامیکه ژنرال گلد اسمیت انگلیسی بکاشان و باغ شاه رفته پس از کنجکاوی و تحقیقاتی که
درباره قتل امیر کبیر بعمل آورده است در سفرنامه خود می نویسد :
(سنگی که این قتل فجیع روی آن بوقوع پیوسته بود مشاهده کردیم . باغبانی که آن
سنگ را نشان داد یکی از کسانی بود که جسد میرزا تقی خان را بیرون کشیده بود)^{۱۵} .
این سکوی تخته سنگ مرمر گرانهای روی آن تا سالهای ۳۵ - ۱۳۳۴ ق . در جای
خود مانده و محفوظ بود ولی در آن اوان مانند تخته سنگ روی سکوی شاه نشین وسط چهار
خیابان باغ شاه و کلیه سنگ های حمام و جوض و جدولهای خیابانها و دیگر مصالح و متعلقات
گرانهای آن باغ مورد نهب و غارت اشرار بغاگر کاشان قرار گرفته و از بین بردند^{۱۶} .
حمام بزرگ و قدیمی باغ شاه بعد از این واقعه بطوری از نظرها افتاد که دیگر کسی با
در آنجا نمی نهاد مگر مسافر و جهانگرد کنجکاوی که میخواست قتلگاه امیر کبیر را از نزدیک معاینه
کند . در اوایل مشروطه و دوره چهارده ساله تسلط و استیلای اشرار کاشان سنگ های مرمر
و کاشی های این حمام نیز مانند سایر متعلقات باغ شاه همچنانکه پیش از این اشاره شد به نهب
و غارت رفت و در سال ۱۳۱۳ شمسی که بمستور آقای حکمت وزیر فرهنگ وقت باغ شاه و حمام

۱۳ - ترجمه واقعات از ص ۲۶۳ تا ۲۸۵ کتاب فرانسه سه سال در آسیای کت گویینو .

۱۴ - ص ۵۳۹ ج قاجاریه کتاب ناسخ التواریخ چاپ تبریز .

۱۵ - ص ۴۹۷ کتاب امیر کبیر و ایران تألیف دکتر فریدون آدمیت .

۱۶ - مقداری از همان قطعات شکسته سنگهای مرمر باغ شاه بمسرف ساختمان حمام ماشاء الله خان پسر

نایب حسین رسید که در ابتدای خیابان چهار باغ کاشان احداث نموده بود . ولی پس از اعدام اشرار و خراب شدن
حمام سنگهای مرمر آن نیز برای ساختن و تزئین پلکانهای عمارت شهرداری که بر روی ویرانه های همان حمام
بنا نمودند بکار برده شد .

آن در فهرست آثار باستانی به ثبت قانونی رسید از تجاوز و دست اندازهای دیگران محفوظ گردید و با سرپرستی اداره کل باستان‌شناسی وضع و قیافه باغ شاه و ابنیه از هم پاشیده و حمام آن سرو صورتی بخود گرفت .

با اینحال باید گفته شود که سوابق تاریخی این باغ و کاخ با موقعیت طبیعی و محلی و وضع و کیفیت خاصی که دارد و مخصوصاً مقایسه آن با دیگر کاخهای تاریخی ایران شایسته و نیازمند بیش از این بذل توجه بوده و میباید که امید است با اقدام به تعمیرات ضروری و تریبونی آن جبران و تکمیل گردد .

از جمله دگرگونی‌هایی که پس از قتل امیر کبیر در خاندان وی نیز پدید آمد نخست واژگون شدن کاخ سعادت عزه الدوله همسر مهربان او بود . چه آنکه این شاهزاده خانم قاجار با نهایت زیبایی و هوش و درایت سرشاری که او را از دیگر سر و همسرانش ممتاز ساخته بود پس از آن واقعه دلخراش مانند گوی لغزنده‌ای آلت مشتهیات مادرش مهد علیا و سیاست نابخردانه برادرش ناصرالدین‌شاه واقع شده که او را علی‌رغم رنما و رغبت خود بخانه چهار شوهر یکی پس از دیگری فرستادند در حالیکه شخصاً از هیچ کدام خوشنود نبود^{۱۷}.

مسمط

هر که ندیده است فین و باغ شهش را
روز درخشنده و شب سبیش را
چهر طبیعت ندیده با فر و تریب
خون یکی رانمرد کشور ایران
ریخته بر خاک غم بحسرت و حرمان
بادا بر قانش هزاران نفرین
صدر هنرور بزرگمهر خردمند
صاحب و ابن العمید و احمد میمند
رایش همواره بوده درخور تحسین
میر تقی‌خان مهین اتابک اعظم
بانی کاخ هنر امیر حکرم
گفته در این باغ کشته از غرض و کین
مقتل این رانمرد و میر هنرور
کاینک ویران نموده چرخ ستمگر
بایدش آراستن بهیشت پیشین
باید گرمابه‌ای که مقتل میر است
قتلگه پساک آن امیر کبیر است
ساختن از نو چو روزگار نخستین
پادشهان سلف چو شاه سلیمان
هریک در این بهشت کاخ و شبستان
بوم نشسته فراز آن زبر این

۱۷- ص ۵۰۲ کتاب امیر کبیر و ایران و ص ۲۶ ش ۱ سال ۲۲ مجله یفا ذیل عنوان: مکتوبات ندامت‌آمیز ناصرالدین‌شاه .